

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • ۴۷۹۰ شماره • ۱۲ صفحه

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۱۹۸۰۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

شترق

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲ • ۲۶ شعبان ۱۴۴۵ • ۷ مارس ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۹۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر-تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۳ • اذان صبح فردا ۵:۰۱ • طلوع آفتاب ۶:۲۵



با استقرار بالگردهای سنگین هلال احمر با انجام بیش از ۳۵ سورتی پرواز، حدود دو هزار بسته موادغذایی ۲۲ ساعته بین مردم روستاها و مناطق سیل‌زده جنوب سیستان و بلوچستان توزیع شد و این عملیات امدادرسانی تا زمان نیاز ادامه خواهد داشت. عکس: حامد غلامی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

کمونیسم از نوع سرمایه‌داری

نپست و این قضیه نشانه غلبه فرهنگ جنوب بر شمال با وجود شکست در نبرد است. با وجود پیشرفت‌های اقتصادی، کاهش فقر و رفاه مردم، افراد مسن‌تر، میراثی را که برایش جنگیده‌اند، در حال از دست رفتن می‌بینند.

درمان و آموزش (غیر از دوران ابتدایی) در کشوری که هنوز نمادهای کمونیسم بر در و دیوار، پرچم و اداراتش است و حزب کمونیسم تنها حزب حاکمش است، رایگان نیست. سرمایه‌داری در همه ارکان جامعه نفوذ کرده و در عرصه عمومی و روزمره، ویتنام از آمریکا هم سرمایه‌داری‌تر است. شعبه‌های برندهای آمریکایی همه‌جا دیده می‌شود. در

ویتنام هنوز کلمه کاپیتالیسم دشنام محسوب می‌شود و برای احتراز از کار بردش اسمش را «سوسیالیسم بازار آزاد» گذاشته‌اند. رؤیای توسعه ویتنام و راهای مردمش از فقر با یک مرگ شیرین شروع شد. «له یوئن» که از بازماندگان رهبران سنتی و مخالف هر نوع تغییر و اصلاح بود، به مرگ طبیعی درگذشت و نگونیسن وان لین که گورباچف ویتنام نامیده می‌شود، به قدرت رسید. وان لین اگرچه خودش شمالی بود، با ۷۱ سال سن در زمان انتخاب از رهبران قدیمی به شمام می‌رفت؛ ولی اصلاحاتی در حد انقلاب شروع کرد که به دوی موی (بازسازی یا نوسازی) معروف‌اند. در سال ۲۰۰۰، قرارداد تجارت آزاد با دشمن بزرگ (آمریکا) بسته شد. سرمایه‌ها به ویتنام سرازیر شد و رشد اقتصادی و رفاه برای مردم ویتنام به‌سرعت شروع شد. در زمانی که من ویتنام بودم، متوسط درآمد یک ویتنامی طبق آمار رسمی از درآمد یک ایرانی تا حدودی کمتر بود؛ اما دست‌کم در کوچه و خیابان مظاهر نمادین فقر مثل کارت‌ن خوابی یا زیاله‌گردی دیده نمی‌شد. آمار بی‌کاری در ویتنام خیلی پایین و حدود دو درصد است و نکته جالب اینکه میزان اشتغال زنان بسیار بالاست. با وجود نابرابری درآمد بین زنان و مردان، در سال‌های اخیر به لطف اشتغال بالای زنان و همچنین دمه‌ها حاکمیت فرهنگ کمونیستی ضد سنت و حالا فرهنگ جدید سرمایه‌داری سنت‌زدا، میزان شکاف و نابرابری به‌شدت رو به کاهش است. صبح‌های زود در پارک‌های شهر، آدم‌های زیادی یوگا و ورزش می‌کنند و در پایان ورزش، از تل ده قهقهه می‌زنند (خنده‌درمانی) و بعد سر کار می‌روند. ویتنامی‌ها احتمالا دقیقا نمی‌دانند که حال خوب این روزها را مدیون جنگیدن سرسختانه‌شان هستند یا نرمش قهرمانانه به‌موقع‌شان در برابر سرمایه‌داری جهانی... آیا آنها در جنگ با سرمایه‌داری پیروز شده‌اند یا این رشد، رفاه و پیشرفت، باختن به سرمایه‌داری جهانی است... البته پاسخ این سؤال‌ها تفاوتی در روزگار آکنده از صلح، توسعه و رفاه‌شان ایجاد نخواهد کرد.

اتفاق خوانی

چرا چیزها؟

رونمایی از سوزن دوزی‌های تاریخی مهتاب نوروزی

سعید برآبادی

عصر جمعه، سومین نمایشگاه «چیزها» برای یک هفته فعالیت خودش را آغاز خواهد کرد. این بار ۵۹ هنرمند با بیش از ۸۰۰ اثر هنری منحصربه‌فرد در چیزها حضور دارند. ۵۹ هنرمند، ۵۹ امید، ۵۹ خالق! هنرمندانی که با وجود همه محدودیت‌ها ماندن را به رفتن ترجیح داده‌اند. «چیزها» اعتبار خود را مدیون همین اعتماد است و در طول دو دوره گذشته نیز سعی کرده با ایجاد بستر مناسب فروش، انگیزه حضور هنرمندان در بازار خرید و فروش آثار هنری را دوچندان کند. قیمت آثار را از ۱۰۰ هزار تومان تا ۱۰ میلیون تومان تعیین کرده‌ایم و همچنان معتقدیم هنر امروز با هنر واسطه‌ها و کاهش قیمت‌ها راه خودش را به خانه‌های ایرانیان باز می‌کند. شب عید است و همه به دنبال خرید هدایای نوروزی هستند؛ چیزها هنر امروز ایران را پیشنهاد می‌کند که ارزش و ماندگاری آن، قابل مقایسه با دیگر هدایا نیست. «چیزها» نه یک بازارچه است و نه یک گالری. نمایشگاهی است به وسعت هنر امروز ایران از سراسر کشور. در سومین نمایشگاه آثاری از هنرمندان شیرازی، گیلانی و اصفهانی و خراسانی داریم. امیدواریم بتوانیم به زودی چیزها را در مراکز هنری سراسر کشور برگزار کنیم. توجه به هنر دست و دست‌سازه‌های زیبا از دیگر ویژگی‌های متمایز چیزهاست. در این نمایشگاه نیز همچون دو نمایشگاه قبلی، در کنار نقاشی و عکس به صنایع دستی هم توجه ویژه داشته‌ایم و قرار است روز جمعه برای نخستین بار از دو تابلوی سوزن‌دوزی با قدمت بیش از ۱۰۰ سال رونمایی کنیم. آثاری که به احترام یاد «مهتاب نوروزی»، سوزن‌دوز فلیق بلوچستان در یک اتاق مجزا در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. تیم‌های جوان سوداهای بلند و بزرگ کم ندارند؛ چیزها نیز به عنوان یک تیم جوان در حالی یک سالگی خود را در این نمایشگاه قرار است جشن بگیرد که توانسته تعاملات خوبی با هنرمندان جوان و کاراولی داشته باشد. بازدیدکنندگان دو نمایشگاه پیشین چیزها گواهی می‌دهند که حرکت ما در مسیر اقتصاد هنر چگونه بوده است؛ تلاش کرده‌ایم آثار هنرمندان از



آتلیه‌های آنها مستقیم به دست شما برسد. این کار به هنرمندان فرصت خلق اثر و کسب درآمد پایدار و به علاقه‌مندان، انگیزه بیشتر خرید می‌دهد. برای آمدن به نمایشگاه «چیزها» کافی است بعد از چهارراه ولیعصر، خیابان انقلاب را به سمت حافظ حرکت کنید تا به کوچه انجمن کتاب برسید. پلتفرم فیل در انتهای کوچه است و ما منتظر دیدارتان.

شوند، عجیب نیست. تیک نات هان (Thích Nht Hnh) راهب و نویسنده بودایی در هونه متولد شده و درگذشته است. کتاب‌های زیادی از او در ژانر عامه‌پسند به فارسی ترجمه شده است؛ از جمله نیلوفر و مرداب، نامه عاشقانه به زمین، صلح با خوشتن و....

منشا غذای محبوب ویتنامی خود من، فو بون بو (Bún bò Huế) هم هونه است. تقریبا هر روز برای صبحانه این مدل خاص از «فو» را در تمام طول سفر می‌خورم؛ ولی ماجراجویی در تغذیه را به خوردن گوشت گریه در ویتنام بسط ندادم؛ در زمان سفر من (۲۰۲۳ مارس) متوسط عمر یک ویتنامی با وجود این تغذیه متنوع غیرمعمول (از منظر ما) از ما ایرانی‌ها اندکی بهتر بود؛ درحالی که درآمد ویتنامی‌ها اندکی از ایرانی‌ها کمتر بود. احتمالا ایرانی‌ها در زمان‌های باستان بیشتر گیاه‌خوار بوده‌اند. برخلاف ما اهالی خاورمیانه و هندوستان، ویتنامی‌ها استدلال‌های پایتخت دوران پادشاهی ویتنام قبل از شروع استعمار فرانسه است. در قسمت تاریخی شهر کاخ‌ها و بقایای شهر قدیم هونه را که به سبک شهرهای ممنوعه امپراتوران چین است، بازدید می‌کنیم. در هونه آداب غذایی در مقایسه با شمال و جنوب ویتنام خیلی رسمی‌تر است. باین‌همه به لطف استقبال توریست‌ها، در خیابان‌های هونه دیدن قورباغه‌هایی که در بساط دست‌فروش‌ها به سیخ کشیده شده‌اند تا باربیکیو



علی مرسلی

مردم ویتنام تقریبا هر گوشتی را می‌خورند؛ دریایی، قورباغه، سگ، گریه، خوک، جیرجیرک، انواع حشرات و حتی موش...! اما در شهر «هونه» که بودایی‌ترین شهر ویتنام است، گیاه‌خواری و حضور رستوران‌های مخصوص گیاه‌خواران، خیلی چشمگیرتر است و احتمالا به غلبه تاریخی فرهنگ بودایی بر این شهر برمی‌گردد. «هونه»، پایتخت دوران پادشاهی ویتنام قبل از شروع استعمار فرانسه است. در قسمت تاریخی شهر کاخ‌ها و بقایای شهر قدیم هونه را که به سبک شهرهای ممنوعه امپراتوران چین است، بازدید می‌کنیم.

در هونه آداب غذایی در مقایسه با شمال و جنوب ویتنام خیلی رسمی‌تر است. باین‌همه به لطف استقبال توریست‌ها، در خیابان‌های هونه دیدن قورباغه‌هایی که در بساط دست‌فروش‌ها به سیخ کشیده شده‌اند تا باربیکیو

روزها

زنانی در حاشیه

در آستانه روز جهانی زن، برنامه‌های مختلف شادی‌بخش و الهام‌بخشی در سراسر جهان برگزار می‌شود؛ از باله در اپرای سیدنی تا فستیوالی در اروپا؛ اما در ژنو، کمیساری عالی زنان سازمان ملل به استقبال این روز رفته است و در کنفرانسی خبری خواستار حمایت از حقوق زنان و محافظت از سلامت آنها شده است. در این کنفرانس خبری مطرح شده است: «جهان برای دستیابی به اهداف جنسیتی، برابری و ازبین‌بردن بیماری‌ها که بخشی از اهداف توسعه پایدار هستند، به زمان زیادی احتیاج دارد. با سرعت کنونی پیشرفت، تخمین زده می‌شود که ۳۰۰ سال برای پایان‌دادن به ازدواج کودکان، ۱۴۰ سال برای حضور برابر زنان در مناصب قدرت و رهبری در محل کار و ۴۷ سال برای دستیابی به نمایندگی برابر در پارلمان‌های ملی طول بکشد. علاوه‌براین در سراسر جهان دست‌کم پنج زن با دختر در هر ساعت به دست یکی از اعضای خانواده خود کشته می‌شوند. از هر سه زن در سراسر جهان، یک نفر خشونت جنسی را تجربه می‌کند. خطر ایدز برای ۶۰۰ میلیون زن و دختری که در کشورهای در حال جنگ هستند، وجود دارد و در اکثر کشورهای فقیر جهان، بحران مالی سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاری در عرصه آموزش، بهداشت و حمایت اجتماعی محدود شود».

کمپین

چوب لباسی

تهیه لباس، مواد غذایی و دارو



حمایت های نقدی آنلاین: charityvahdat.ir

شماره کارت بانک سپه: ۵۸۹۲۱۰۱۱۲۱۶۷۵۳۸۹



vahdatiha

۰۲۱۲۲۹۴۷۰۱۴

۰۹۰۲۲۹۴۷۰۱۴

حمایت حضوری: پاسداران، انتهای بوستان دوم، خیابان شهیدافشاری(ساقدوش)، کوچه وحدت، پلاک ۴

شاهنامه‌خوانی

خان چهارم

اسفندیار در

هفت خان -۲



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

اسفندیار، به تنهایی گام در بیابان نهاد و چنین سرود که اسفندیار بداخر، هماره یا در بند گرفتار است یا در بیابان، پریشان گام می‌زند. اسفندیار شاهزاده‌ای است که تنها با شیرها و گرگ‌های خونین‌دهان و ازدهای مردمان‌کش روباروی می‌شود و گویی هرگز از چنگ بلاها رهایی نخواهد یافت، از این جهان بهره‌ای نبرده و هیچ‌گاه پری‌چهره‌ای را در کنار نداشته.

اگر یزدان پاک چهره پرلبخند خود را به من نشان دهد، از این هستی کام خواهم گرفت، آرزویم این است که مرا جفتی دهد که آرام تن و روانم باشد، جفتی که به بالا چون سرو و به چهره چون خورشید و سر تا پای، مشک آسا باشد.

زن جادو آواز اسفندیار بشنید، دانست که شکار خود با پای خویش آمده تا او را به دام افکند، از او کام و در بی آن روانش را بستاند و زیر لب گفت:

چنین گفت که آمد هژیوی به دام ابا چامه و رود و پر کرده چام

زن جادو، آن پیر پرآزنگ ناآگاه با آیین مردمی و زشت‌روی و زشت‌خوی، دست به جادویی زده، چهره خویش دگرگون کرد و همانند یکی از ترکان شد که همه خوب‌روی و دلنشین و آرام‌روان بودند و با زیبایی تمام گام‌زنان به نزد اسفندیار بیامد و در کنار او بر لب جویبار بنشست و گفت:

«ای جوان، من آن پری‌رخساری هستم که در سرودهایت از ژرفای دل آرزو می‌کردی».

جهانجوی چون روی او را بدید، با آوایی رساتر سرودخوانی آغازید و گفت: «ای خدای یکتا، در کوه و بیابان تو راهنمای من هستی و مرا به خود وانمی‌نهی. از تو پری‌چهره‌ای خواستم، دریغ نکردی و در این بیابان، بیشه‌ای نهادی سرسبز و چشمه‌ای جوشاندی خوش‌آوا و دل‌مرا با چهره‌ای خورشیدوش، آکنده از شور و شادی گرداندی».

آن‌گاه شاهزاده ایرانی یک جام می به دست آن پری‌روی داد تا چهره او از می ناب سرخ گردد.

اسفندیار به بازویش زنجیری پولادین داشت که او را از جادو نگاه می‌داشت، آن زنجیر را زردشت خود به بازوی اسفندیار بسته بود و گشاستب آن را از بهشت آورده بود. با آن زنجیر که او را از جادویی نگاه می‌داشت، روزگار بد توان آسیب‌رساندن به او را نداشت. آن زنجیر او را آگاه کرد که آن زن زیبا، همان زن جادوست.

در یک آن، زنجیر به گردن زن جادو افکند با آن چنان توانی که نیرو از تن او بیرون رفت. به ناگاه چهره آن زیباروی به شیری دژم دگرگونه گشت و اسفندیار دست به شمشیر برد و گفت: «اگر چون کوه آهنین گردی بر من گزندی نتوانی زد، روی خویش را به همان سان که هستی بر من بنمای وگرنه پاسخ تو را به شمشیر خواهم داد».

پری‌خ با فشار زنجیری که بر گردنش افکنده شده بود، به ناگاه کنده‌پیری تباه گردید، با چهره‌ای زشت و سیاه و سر و مویی چون برف سفید. اسفندیار در یک آن خنجر برکشید و بر سرش فرود آورد و چنان زخمی بر او زد که سرش در تنش فرونشست. چون زن جادو بمرد، به ناگاه آسمان تیره و تار گشت، به گونه‌ای که چشم در آن خیره می‌شد. در پی آن، تبدیادی وزیدن گرفت و چهره خورشید در سیاهی شد و اسفندیار چون تدری خورشید، لختی بگذشت و پشتون با سیاه از راه رسید و اسفندیار را به نماز ایستاده دید. به او گفت:

نه با زخم تو پای دارد نهنگ

نه ترک و نه جادو نه شیر و پلنگ

و آرزو کرد آن پهلوان در کیتی هماره سرفراز بماند که جهان به مهر او نیازمند است.